گفت‌وگوی «ایران» با مهیار علیزاده درباره کارنامه کاری‌اش با تمرکز بر آلبوم بحث‌برانگیز «افسانه چشم‌هایت»

نمی‌خواهم تاریخ مصرف داشته باشم

روزگاری است که «هرکسی نغمه خود خواند و بر صحنه رود...». یک زمان استادان موسیقی که هرکدام صاحب سبک بودند بیم آن داشتند، که نکند موسیقی‌ای اجرا کنند که به موسیقی اصیل ما لطمه‌ای وارد شود. یا ساز را به گونه‌ای بنوازند که به ساحت نوازندگان بزرگ بربخورد اما امروز شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. از روزگار موسیقیدانان بزرگی چون آقاعلی اکبر فراهانی و میرزا حسینقلی و ابوالحسن صبا و روح‌الله خالقی تا یاحقی و بعد از آن لطفی، علیزاده، مشکاتیان که هرکدام سیری از تاریخ موسیقی ایران را نشان می‌دهند به دورانی رسیده‌ایم که روایتی دیگر از میراث‌داران گذشته است. دورانی که نسل امروز نغمه‌ها و اندیشه‌های دیگری در سر می‌پروراند. اگرچه به گفته این نسل این نوآوری‌ها وام گرفته از همان دوران است اما رنگ و بویی متفاوتی در آن دیده می‌شود. در دیده‌شدن این نسل دیگر نه رسانه ملی نقش دارد و نه حتی فضاهای مجازی. دنیای دیگری دارند که تجربه‌گرایی در آن حرف اول را می‌زند. مهیار علیزاده یکی از همین آهنگسازان نسل امروز است که کارنامه هنری‌اش را با علیرضا قربانی شروع کرد و با «حریق خزان» نگاه مخاطبان را به موسیقی تغییر داد. تجربه‌هایی که از بعد آن داشت هم هرکدام بیانگر نگاه متفاوت او به موسیقی بود؛ تجربه‌هایی که رسید به آلبوم «افسانه چشم‌هایت» که البته انتقادات بسیاری بر آن وارد شد. علیزاده در این گفت‌وگو تلاش می‌کند هم درباره حواشی این آلبوم صحبت کند و هم درباره مسیری که در کارنامه موسیقایی‌اش طی کرده است.

علی محمدی/ ایران

می‌دانستند قطعاً نقدهای بسیاری خواهد بود. البته من ساختارشکنی نکرده‌ام و دوست داشتم موسیقی تولید کنم که در ذهنم وجود دارد. در ترک «پریشان خیال» بخش ابتدایی آن به‌صورت کرال است و بعد آن همایون می‌خواند و خیلی واضح است که عموم مردم دوست نداشته باشند اما مطمئنم به مرور زمان مخاطبان خود را پیدا خواهد کرد و علاقه‌مندان به صدای همایون و علیرضا قربانی مجاب می‌شوند این موسیقی را گوش کنند تا با این فضاها آشنا شوند.

■ اشاره کردید مردم این نوع موسیقی را نمی‌پسندند آیا معرفی این سبک کاری به جامعه زود نبود؟

آلبوم «حریق خزان» هم با کر شروع می‌شود وقتی این اثر منتشر شد مردم آشنایی چندانی با این سبک کاری نداشتند اما آرام آرام علاقه‌مند شدند و امروز «حریق خزان» در ذهن مردم رخنه کرده است. جوان ایرانی از زمانی علاقه‌مند به آواز ایرانی شد که علیرضا قربانی «بی قرار» را خواند اثری که به‌صورت الکترونیک تنظیم شده و تا به امروز چنین کاری نداشته‌ایم. بعد از آن هم همایون شجریان در همکاری با سهراب و تهمورس پورناظری «کولی» را خواند.

■ خوانندگان ما آگاه هستند و می‌دانند سلیقه و ذائقه موسیقایی مخاطب امروز تغییر کرده و این تغییرات در آثار همایون شجریان، علیرضا قربانی و دیگر خوانندگان و آهنگسازان کاملاً مشهود است.

چه دلیلی دارد همایون شجریان مانند پدرش استاد محمدرضا شجریان آواز بخواند؟ چرا باید مخاطب موسیقی این انتظار را داشته باشد؟ میراثی که همایون از پدرش به یادگار حفظ کرده اخلاق و صدای شجریان است اما قطعاً همایون دیدگاه هنری متفاوتی دارد. اگر قرار باشد همایون مانند استاد شجریان بخواند کار اصلی آن وجود دارد یا اگر قرار باشد علیرضا قربانی در این آلبوم باردیگر «حریق خزان» را تکرار کند چه کاری است یک بار انجام شده است. من مهیار علیزاده به عنوان یک آهنگساز باید روبه جلو حرکت کنم تا برای کسانی که درپشت سر ما حرکت خواهند کرد افق‌های تازه خلق شود و بگویم شما هم می‌توانید کاری بسازید که همایون شجریان و علیرضا قربانی در کنار هم بخوانند.

■ یکی از موضوعاتی که مورد نقد قرار گرفت بحث اشعار این آلبوم است. ابتدا بگویید ارزیابی شما در انتخاب شعر چیست و مهیار علیزاده چقدر با شعر آشناست؟

همانقدر که به شعر علاقه‌مندم در انتخاب اشعار نیز وسواس بسیاری دارم و می‌دانم چه شعرهایی در مخاطب اثرگذاراست و این حساسیت‌ها در کارهایم اثبات شده است. شعری که انتخاب می‌کنم ابتدا باید تأثیر آن را در خود ببینم و بعد انتخاب شود. درکارهای سفارشی هم همینقدر وسواس دارم. اگر شعری پیشنهاد شود که روی آن موسیقی کار شود و نتوانم روی یک مصرع آن آهنگ بگذارم کار را ادامه نخواهم داد.

■ اگر در انتخاب اشعار وسواس و حساسیت دارید و شعر را می‌شناسید چرا این اتفاق در آلبوم «افسانه چشم‌هایت» به وجود آمد و شعر شاعری دیگر به نام استاد ابتهاج معرفی شد؟ بعد از آن هم پاسخ دادید این کار را در اینترنت جست‌وجو کرده اید. به نظر شما این پاسخ توجیه‌پذیر است؟

هیچ تعمدی در این کار نبوده و یک اشتباه کاملاً سهوی است و هیچ کدام از ما متوجه آن نشدیم. استاد ابتهاج یا دیگر شعرای بزرگ ما اشعار خارج از کتاب هم داشته‌اند. نمی‌دانم اولین بار این شعر را درکجا دیدم اما خیلی دوست داشتم موسیقی‌ای روی این شعر بنویسم و به دنبال متن کامل آن بودم که در اینترنت جست‌وجو کردم و دیدم در چندین سایت به نام استاد معرفی شده بود. دیگر مطمئن شده بودم شاعر این کار آقای ابتهاج هستند. من در آلبوم‌های مختلفی که تولید کرده‌ام از اشعار شناخته شده استاد بسیار استفاده کرده‌ام و فکر نمی‌کنم بعد از استادان محمد رضا لطفی و محمد رضا شجریان در بین آهنگسازان امروز کسی بیشتر از من روی اشعار استاد ابتهاج کار کرده باشد. اتفاقاً وقتی این ترک را ساختم در آلمان به منزل استاد رفتم و حتی به ایشان عرض کردم بزودی یکی - دوتا از کارهای شما منتشر خواهد شد. عده‌ای هم انتقاد داشتند چرا از ایشان اجازه نگرفته‌ام و باید بگویم استاد ابتهاج منعی در استفاده از اشعارشان نگذاشته‌اند. زمانی هم که «ارغوان» را ساختم با ایشان در این باره صحبتی نکردم و بعد که منتشر شد خبر دادم. اما کسی که می‌خواهد با این ادبیات بگوید مهیارعلیزاده اشعارش را در اینترنت جست‌وجو می‌کند یا من را نمی‌شناسد یا نا آگاهی خود را اعلام عمومی کرده است. شعر «افسانه» نیما یا همان ترک «پریشان خیال» یک منظومه طولانی است که ۲۰ روز، روی آن وقت گذاشتم و مصرع به مصرع آن را به گونه‌ای انتخاب کردم که معنای آن تغییر نکند؛ شاعر دوم آن بعد از نیما من هستم (با خنده)؛ بنابراین اگر کسی در مورد انتخاب این اشعار نقدهای نادرست بیان کند مشخص است که خصومت شخصی دارد و با این انتقادهای نابجا می‌خواهد نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد. همچنین انتقاداتی که به اشعار علیرضا کلیایی بود که بازهم نمی‌دانم مشکل فنی آن چیست. گویا این دوستان اصلاً کار را با دقت گوش نکرده‌اند. من درمراسم رونمایی این آلبوم هم گفتم تصنیف ابتدایی با «می‌روم تا که فراموش کنم چشم تو را...» آغازمی شود و در پایان به «بازآی دلبرا که دلم بی‌قرارتوست...» به اتمام می‌رسد و انتخاب و چیدمان بسیار مشکلی بود. یا در شعر «افسانه چشم هایت» به آقای کلیایی اصرار کردم شعری بگوید که در آن به «حریق خزان» اشاره شده باشد در آنجا که گفته می‌شود «تو حریقی و خزان بود که پایان من است...» که نوستالژی و ارجاعی به آلبوم «حریق خزان» است یا ترک آخر «بازآی دلبرا که دلم بی‌قرارتوست...» نیز اشاره به همین آلبوم دارد. بهتر است بگویم هنوز هم به آثار گذشته‌ام وابستگی دارم و همه آثارم روایتی از دوران زندگی من است.

■ «پریشان خیال» یا «افسانه» نیما یوشیج که قطعه دوم کار است، از نگاه مخاطب گویا آغازگر این آلبوم است. کاری نشأت گرفته از همان آموزه‌های تحصیلی در خارج و به نوعی اجرای یک اپرای ایرانی است. چطور شد تصمیم گرفتید این منظومه عاشقانه و طولانی را تقطیع کنید و به دو ترک «پریشان خیال» و «حیرانی» نامگذاری شده است؟

«افسانه چشم هایت» درواقع مقدمه این آلبوم است و همان‌طور که اشاره کردید «پریشان خیال» داستان عاشقی «افسانه» و «عاشق» است که در این قطعه به یکدیگر می‌رسند. ابتدا راوی که همان گروه کر است داستان را با «در شب تیره، دیوانه‌ای، کو...» شروع می‌کند و بعد از آن عاشق (همایون شجریان) و افسانه (علیرضا قربانی) از عشق خود می‌گویند وادامه این دیالوگ‌ها در ترک بعدی «حیرانی» گفته می‌شود. اما چون احساس کردم بخش موسیقایی کار سنگین شده است کار به دو بخش و با ریتمی متفاوت شروع می‌شود. ناگفته نماند بسیار دوست داشتم ترک سومی هم از همین منظومه «افسانه» در این آلبوم باشد که متأسفانه نشد. در آنجا که «عاشق» می‌گوید: «ای طفل محزون از چه از خانه خود جدایی؟» سخن از کنده شدن از سنت و رسیدن به دنیای مدرن است. تمامی اشعار این آلبوم صحبت از گمشده ای مشترک است و نه نگاه سیاسی در آن بوده و نه اجتماعی. «افسانه» و«عاشق» در مورد فلسفه وجودی انسان صحبت می‌کنند. من هم قبول دارم برخی از قطعات آلبوم به سبک اپرا نوشته شده و خوانده می‌شود و امیدوارم در آینده با حضور یک کارگردان خوب روی صحنه اجرا شود.

■ با نگاه به اصل شعر می‌بینیم که برخی از قطعات به‌صورت شرحه شرحه در آلبوم قرار گرفته‌اند در این باره هم کمی توضیح دهید؟

بله و این نگاه و سلیقه آهنگساز است. من حتی در این باره با فرزند زنده یاد نیما یوشیج صحبت کرده‌ام. اما نکته‌ای که باید گفته شود این است که شعر در وجودیت خود یک اثر مستقل هنری است و موسیقی نیز یک اثر مستقل هنری دیگر است و تلفیق این دو، هنر و سلیقه یک آهنگساز است و به صلاح دید خود از شعرهایی استفاده می‌کند که قابلیت تبدیل شدن به موسیقی خوب را داشته باشد. نگاه آهنگساز، خواننده و شاعر متفاوت است اما از زمانی که یک شعر به تصنیف تبدیل می‌شود آهنگساز حاکم بر شعر است. نکته دیگر اینکه در تمامی کشورهایی که صاحب فرهنگ ادبی غنی هستند مانند هند، فرانسه، سوئد و... شعر و ادبیات در آنجا اهمیت بسیاری دارد اما متأسفانه بارها شنیده می‌شود کشور ایران مهد شعر و ادبیات است و باید در حفظ آن بکوشد.

■ اما آخرین قطعه آلبوم «بی قرار ۲» نام دارد که بی‌تردید نام این اثر وام گرفته از قطعه «بی قرار» آلبوم «حریق خزان» است. این قطعه دارای سه شعر از سه شاعر مطرح کشور است چطور شد این گونه کار را تنظیم کردید؟

بخش اول با شعری از دکتر شفیعی کدکنی« کاش سوی تو دمی رخصت پروازم بود...» شروع می‌شود که بیشتر حالت روایی دارد، بخش دوم متفاوت از بخش اول است با شعری از بانو سیمین بهبهانی «من با صدای تو می‌خوانم...» و قسمت سوم که اشاره دارد به کارهای قبلی‌ام «باز آی دلبرا که دلم بی‌قرار توست و...» شعر استاد ابتهاج که هر سه بخش تنظیم و ملودی متفاوتی دارند و با یک نگاه کلی خواهید دید قسمت اول و سوم در پایان به یکدیگر وصل می‌شوند. احساس کردم در این قطعه باید شعرهای متفاوت اما محتوای نزدیک به هم وجود داشته باشد که همان ادامه دهنده گفت‌وگوی «افسانه» و «عاشق» است. جالب است بدانید وقتی با خانواده بانو بهبهانی صحبت می‌کردم بر این نظر بودند در آنجا که همایون می‌گوید: «من با صدای تو می‌خوانم...» گویا گفت‌وگوی همایون با پدرش است. ناگفته نماند سه قطعه از این آلبوم در جمهوری چک و به رهبری هومن خلعتبری ضبط شده است.

■ تغییر اسامی قطعات هم به سلیقه خودتان بوده است؟

بله. تمامی آنها با اجازه خود صاحبان اثر یا خانواده آنها بوده است به‌طور مثال در قطعه «بی‌خوابی» مهدی اخوان ثالث که با نام «به دیدارم بیا» است گفته می‌شود «به دیدارم بیا هر شب در این تنهایی تنها و تاریک خدا مانند دلم تنگ است...» آن زمان که در ترک اول گفته می‌شود «می‌روم تا که فراموش کنم چشم تو را» عاشق از عشق خود جدا شده و به یک جنون و بی‌خوابی رسیده است و می‌گوید به دیدارم بیا هر شب...» و از نگاه من بهتر است نام این قطعه «بی خوابی» باشد.

■ کمی هم در مورد آلبومی که قرار است با همکاری فردین خلعتبری منتشر شود صحبت کنید.

این کار هم به‌صورت یک پروژه است که به من پیشنهاد شد و خیلی بداهه تصمیم به انجام آن گرفتم که محمد معتمدی خوانندگی آن را برعهده دارد. به عقیده من معتمدی خواننده بسیار توانایی است و تکنیک بسیار ویژه‌ای در آوازخوانی دارد. فردین خلعتبری هم که صمیمی‌ترین دوست من در حوزه موسیقی است و بسیار خوشحالم که این همکاری شکل گرفته است. ۴ قطعه این کار به آهنگسازی من بوده و ۳ قطعه آن را فردین عزیزم انجام داده است؛ البته صاحب امتیاز این آلبوم شرکت «آوای باربد» است اما به‌دلیل مشکلات داخلی این شرکت مدت‌هاست منتشر نشده است؛ در صورتی که حدود دو سال گذشته تحویل داده شده واین موضوع بسیار ناراحت‌کننده است. من نمی‌دانم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چرا باید به این شرکت‌ها مجوز کار بدهد و هیچ نظارتی هم بر آنها نیست، اما طرفداران محمد معتمدی و کسانی که به‌دنبال موسیقی ارکسترال هستند مطمئن باشند در چند ماه آینده تکلیف این آلبوم مشخص خواهد شد.

■ همکاری با همایون شجریان و علیرضا قربانی نشان دهنده آن است که مهیار علیزاده علاقه‌مند است با خواننده‌های بزرگ کار کند. انتخاب خواننده چقدر برای شما مهم است؟ آیا بازار کار برای شما اهمیت دارد یا مطرح بودن خود خواننده؟

تمامی آهنگسازان علاقه‌مندند با همایون شجریان کاری داشته باشند من نیز تلاش کردم و به خواسته‌ام رسیدم، اما تنها بحث تجاری و بیزینس خواننده‌ها مطرح نیست؛ بلکه توانایی خواندن نیز مهم است. فکر نمی‌کنم تواناتر از همایون شجریان یا دیگر خوانندگان چون علیرضا قربانی، محمد معتمدی و سالار عقیلی وجود داشته باشد، مردم هم به این هنرمندان علاقه‌مندند و آثارشان مخاطب بسیاری دارد البته گاهی کارهای ضعیف هم داشته‌اند. اما به‌طور کلی تجربه بسیاری در این زمینه دارند و به جامعه اثبات شده‌اند، البته من با جوانان هم همکاری می‌کنم به هرحال باید به نسل امروز هم کمک شود. یک زمان هم به تبع مسائل مالی، سفارش‌هایی برای فیلم یا سریال قبول می‌کنم.

■ در تیتراژخوانی هم انتخاب خواننده مهم است یا همان بعد مالی بیشتر در نظرشماست؟

بله قطعاً، آخرین تیتراژی که ضبط کردم با صدای محمد معتمدی بوده که فکر می‌کنم بزودی منتشر شود. این کار ژانری متفاوت از سریال‌های ایرانی است.

■ اشاره داشتید در تولید آلبوم موسیقی خواننده نظر و دخالتی ندارد در ساخت موسیقی فیلم و سریال چطور؟ آیا سلیقه کارگردان یا تهیه‌کننده اعمال می‌شود؟

خیر، در فیلم و سریال هم تنها سلیقه خودم بوده و اجازه نمی‌دهم کارگردان یا تهیه‌کننده دخالتی داشته باشند و حتی چندین بارهم پیش آمده که قبول نکردم و کار منتفی شد، البته در ساخت آلبوم پیشنهاد خواننده‌ها را می‌شنوم و اگر نزدیک به سلیقه هم باشیم حتماً انجام خواهم داد نه آنکه هیچ دخالتی نباشد.

■ چرا در موسیقی ما خواننده سالاری مطرح است حتی برای یک آهنگساز؟

بله. متأسفانه این نگاه اشتباه در فرهنگ ما جا افتاده است و خیلی هم بد است البته در همه جای دنیا همین بوده و هست و به نظرم باید در این زمینه فرهنگ‌سازی شود. این دیدگاه در اسپانسرها نیز وجود دارد آنها حتی نمی‌دانند آهنگساز و مؤلف موسیقی بی‌کلام چه کسی است و یک اثر موسیقایی را تنها با خواننده می‌شناسند؛ بنابراین تا موسیقی بی‌کلام خوب تولید و شنیده نشود موسیقی‌مان پیشرفتی نخواهد کرد. من تلاش کرده‌ام در تمامی کارهایم موسیقی بی‌کلام هم استفاده شود چرا که باید مخاطبان موسیقی با این نوع موسیقی آشنایی بیشتری داشته باشند. بسیار علاقه‌مندم یک آلبوم بی‌کلام منتشر کنم که البته قطعاً بسیار مشکل‌تر و زمان‌برتر از موسیقی با کلام خواهد بود.

■ شما از شاگردان استاد کیوان ساکت هستید چه شد که نوازندگی را کنار گذاشتید و به‌دنبال آهنگسازی رفتید؟

نوازندگی هیچ‌گاه برایم جذابیتی نداشته است. به نظرم خیلی سخت است نوازندگانی چون سهراب یا تهمورس پورناظری یا استاد کیهان کلهر بخواهند تمرکز خود را هم روی نوازندگی بگذارند و هم آهنگسازی اما من همه این زمان را روی آهنگسازی‌ام گذاشته‌ام و اگر روزی بخواهم ساز دست بگیرم و روی سن بنوازم باید در حد و اندازه مهیارعلیزاده باشم نه کمتر.

■ مهیارعلیزاده در قبل و بعد از رفتن به ارمنستان چقدر تغییر کرده است؟

پیش ازرفتن به ارمنستان هر کاری در زمینه موسیقی انجام دادم خیلی جدی نبود اما بعد رفتن به ارمنستان آنگاه متوجه شدم موسیقی چه دنیای گسترده‌ای دارد، البته برای یک آهنگسازی چیزی به اسم موسیقی ایرانی یا موسیقی غیرایرانی وجود ندارد شاید این تصور در نگاه شنونده‌ها متفاوت باشد. بعد از آلبوم «حریق خزان» صدها نفر از من پرسیدند ژانر این موسیقی چیست؟ پاسخ دادم نوعی از موسیقی است با کلام فارسی. «افسانه چشم‌هایت» نیز یک موسیقی ارکسترال با کلام فارسی است که رنگ و بوی کاملاً شرقی دارد. یک تعداد کار هم با چند نوازنده و خواننده بین‌المللی انجام داده‌ام که در استرالیا منتشر می‌شود و یک کار کاملاً غربی است و البته یک آلبوم هم بزودی با صدای محمد معتمدی منتشر می‌شود، به نام «صبر کن».

■ آلبوم «بی من» هم تجربه‌ای در عرصه خوانندگی شما است؛ آیا علاقه‌مند به خواندن هستید؟

خیر، دوست ندارم در عرصه خوانندگی فعالیت داشته باشم البته نه اینکه این تجربه هیچ وقت تکرار نخواهد شد شاید یک بار دیگر آلبومی با صدای خودم منتشر کنم. درواقع یک شیطنت کوچک بود شاید جالب باشد بدانید به‌عنوان یک آهنگساز بسیار علاقه‌مندم یک فیلم کوتاه با ایده‌های خودم بسازم.

■ جایگاه یک هنرمند را یک اثر هنری تعیین می‌کند یا مردم؟

خود هنرمند صاحب این جایگاه است. هنرمند خود را در ویترین می‌گذارد و مردم تماشا می‌کنند و آن زمان است که جایگاه او در اندیشه و ذهن مردم شکل می‌گیرد.

■ به‌عنوان یک آهنگساز، نسل امروز آهنگسازی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر آهنگسازی اصلاً شرایط خوبی ندارد. آهنگسازی به‌صورت آکادمیک آموزش داده نمی‌شود و البته بهتر است بگوییم بستر چنین کاری فراهم نیست و آن چیزی که در دانشگاه‌ها در زمینه آهنگسازی آموزش داده می‌شود متأسفانه متدها بسیار قدیمی است. هارمونی‌هایی که در دانشکده‌های موسیقی ایران تدریس می‌شود دیگر در دانشگاه‌های دنیا تدریس نمی‌شود.

■ در زمینه تولیدات موسیقی چطور؟

اگر منظور موسیقی پاپ است که باید بگویم ۵۰ درصد کارهایی که تولید و منتشر می‌شود تقلید و کپی کارهای ترکی و عربی است و هیچ خلاقیتی در آن وجود ندارد. فقط کلام فارسی در آن به کار برده می‌شود؛ البته در این مورد صحبتی نمی‌کنند اما وقتی در فضای مجازی لو رفت آن زمان اعتراف می‌کنند. اما در موسیقی سنتی این اتفاقات کمتر رخ می‌دهد اما در موسیقی سنتی دچار فقر ملودی هستیم و هیچ ایده و خلاقیتی نیست. موسیقی راک هم که تعطیل است.

> ۵۰ درصد کارهایی که تولید و منتشر می‌شود تقلید و کپی کارهای ترکی و عربی است و هیچ خلاقیتی در آن وجود ندارد. فقط کلام فارسی در آن به کار برده می‌شود؛ البته در این مورد صحبتی نمی‌کنند اما وقتی در فضای مجازی لو رفت آن زمان اعتراف می‌کنند. در موسیقی سنتی این اتفاقات کمتر رخ می‌دهد اما در موسیقی سنتی دچار فقر ملودی هستیم و هیچ ایده و خلاقیتی نیست. موسیقی راک هم که تعطیل است

■ روند آهنگسازی ما از بعد از انقلاب از استادان حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و محمدرضا لطفی آغاز می‌شود تا آنکه آرام آرام به نسل جوان‌تر آهنگسازی چون فردین خلعتبری، آریا عظیمی‌نژاد، مهیارعلیزاده، برادران پورناظری، بابک زرین و... می‌رسد این مسیر و تغییر و تحولات را چگونه ارزیابی می‌کنید.

به عقیده من نسل ما در شرایط بسیار سختی است و راهی را در پیش داریم که قطعاً الگوی نسل بعد از ما خواهد بود. همان‌طور که استادان علیزاده، مشکاتیان، هوشنگ کامکار، ناصر چشم‌آذر و... این مسیر را برای ما هموار کردند و به‌دنبال آنها آمدیم البته با ایده ای متفاوت ما نیز باید آیینه نسل بعد از خود باشیم. طبیعتاً خیلی قبل‌تر از حسین علیزاده و محمدرضا لطفی استادان دیگری چون ابوالحسن صبا بوده‌اند که این مسیر را هموار کردند و قطعاً در آن دوره نوآوری بوده که امروز این محصول به دست ما رسیده است ما هم تلاش می‌کنیم مسیر را بدرستی بپیماییم اما چقدر در این کار موفق عمل کنیم یا خیر، آینده قضاوت خواهد کرد. البته معلوم نیست سرنوشت موسیقی ایران در ۳۰ سال آینده چه خواهد شد.

■ به نظر شما نسل امروز و کسانی مثل شما این مسیر را درست طی کرده‌اند؟

به باور ذهنی‌ام مسیر را درست رفته‌ام البته توجهی به تعریف و تمجید مخاطبان ندارم طبیعتاً تاریخ قضاوت خواهد کرد و آن زمان شاید ما نباشیم. اما با تجربیاتی که در حال حاضر دارم اگر هنوز هم فرصت کارکردن داشته باشم سعی می‌کنم این سکان را بدرستی کنترل و هدایت کنم.

■ چشم‌انداز شما از آینده موسیقی ایران در سال‌های بعد چیست؟

هنر ایران بویژه موسیقی مرتبط با اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان است و البته در همه جای دنیا هم همین بوده است. ما در حال حاضر سال‌های پر تنشی را طی می‌کنیم چه به لحاظ تحریم‌ها چه از نظر اقتصادی و... بنابراین به همین میزان که جامعه سردرگم است موسیقی هم سردرگم و سرگشته شده است. هنرمند ما نمی‌داند سال آینده اوضاع سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی کشورش چه خواهد شد! آیا می‌تواند امیدوار به تولید یک کارهنری باشد؟ وقتی رئیس جمهوری ما اعلام می‌کند از زمان اجرای طرح گرانی بنزین بی‌اطلاع بوده من آهنگساز از آینده چه باید بدانم؟ بهتر است بگویم هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست.